

زبان عربی

* عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ الْعَرَبِيَّةِ:

۱- «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ!»:

- ۱) الله سرور آنان است که ایمان بیاورند و آن‌ها از ظلمت به سوی نور خارج می‌شوند!
 - ۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها به سمت نور خارج می‌سازد!
 - ۳) خداوند سروری دارد بر آنان که ایمان آوردند و آنان از تاریکی خارج می‌شوند و به سمت نور می‌روند!
 - ۴) الله ولایت دارد بر کسانی که ایمان آورده باشند، و آن‌ها را از ظلمت بیرون می‌آورد و به سوی نور می‌برد!
- ۲- «لَا شَكَّ أَنْ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِ الْأَعْشَابِ الطَّيِّبَةِ عِنْدَ الْحَيَوَانَاتِ الصَّحْرَاوِيَّةِ وَالطَّيُورِ، قَدْ سَاعَدَتِ الْإِنْسَانَ فِي صُنْعِ الْأَدْوِيَةِ!»:

- ۱) چگونگی به کارگیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرایی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
 - ۲) چگونگی به کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
 - ۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرایی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
 - ۴) بلاشک نحوه کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!
- ۳- «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَاماً مَنَاسِباً لِفِكَرِهِ سَتَصْبِحُ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَالْعَمَلِ أَكْثَرَ!»:

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!
 - ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
 - ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر خواهد شد!
 - ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیش‌تر شده است!
- ۴- «قَدْ تَكَرَّرَ أَمْرًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرًّا لَكَ!»:

- ۱) کاری را احتمالاً ناپسند می‌داری حال این‌که خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می‌داری حال این‌که خدا شر را در آن قرار داده است!
- ۲) شاید کاری را زشت می‌داری درحالی‌که خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری درحالی‌که خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- ۳) کاری را گناه زشت می‌پنداری درحالی‌که خدا در آن خیری برایت قرار داده، و چیزی را گناه دوست داری درحالی‌که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- ۴) گاهی کاری را ناپسند می‌شماری و حال این‌که خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال این‌که خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

۵- «هناك مئات الطيور تبنى أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر و تقذف أفراسها منها لتتعلم الطيران!»:

- ۱) صدها پرنده لانه‌های خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوه‌ها می‌سازند تا جوجه‌ها را از آن‌جا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آن‌جا صدها پرنده است که آشیانه‌ها را بر کوه‌هایی به بلندای بیش‌تر از دو هزار متر بنا کرده جوجه‌هایشان را از آن‌جا می‌پراندند برای این‌که پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آن‌جا صدها پرنده لانه‌هایشان را بر کوه‌هایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیش‌تر است بنا می‌کنند و جوجه‌های خود را از آن‌جا می‌اندازند تا پرواز کردن را به آن‌ها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرنده وجود دارند که آشیانه‌های خود را بر کوه‌هایی که ارتفاع آن‌ها بیش از دو هزار متر است می‌سازند و جوجه‌هایشان را از آن‌جا پرتاب می‌کنند تا پرواز را یاد بگیرند!

۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می‌فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- ۲) لا شك أنك لا تخسر إلا إذا امتنعت عن المحاولة: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می‌بینی!
- ۳) إن النجاح لا يحتاج إلى الإقدام فقط، بل إلى الجسارة أيضاً: پیروز شدن فقط به قدم‌ها احتیاج ندارد، بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- ۴) من يكذب، لا يجد ذليلاً مُقنعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می‌گوید، هرگز برای ثابت کردن گفته خود دلیلی قانع‌کننده نمی‌یابد!

۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرين لا يسمعون كلامك: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی‌دهند!
- ۲) لا تُكْرَمَنَّ اللَّئِيمَ لِأَنَّهُ يَتَمَرَّدُ تَمَرْدًا وَأَنْتَ تَبْأَسُ: هرگز انسان فرومایه را گرمای مدار برای این‌که او قطعاً نافرمانی خواهد کرد، درحالی‌که تو مأیوس شده‌ای!
- ۳) السكوتُ أجملُ كلامٍ قد يستطيع أن يُثيرَ الشخصَ أكثرَ من كلِّ شيءٍ آخر: سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می‌تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!
- ۴) يُصَادُ الْحَوْتُ لِيَسْتَفِيدَ الْكِيمَاوِيُونَ مِنْ زَيْتِ كَبِدِهِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ: نهنگ‌ها صید می‌شوند تا شیمی‌دانان از روغن کبد آن‌ها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

۸- «هرکس قبل از سخن گفتن بیاندیشد، غالباً از خطا ایمن می‌گردد!»:

- ۱) من يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا: (۲) من تُفَكِّرُ قَبْلَ أَنْ تَكَلَّمَ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ!
- ۲) مَنْ تَفَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْأَخْطَاءِ غَالِبًا: (۴) الَّذِي تَفَكَّرَ قَبْلَ الْمَكَالِمَةِ قَدْ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ!

٩- عَيِّن غير المناسب للمفهوم: «إذا كان الصبر مُراً فعاقبته حلوة»

- (١) ليست رنگي كه بگويد با من / اندكى صبر، سحر نزديك است
- (٢) ساختم با آن كه عمرى سوختم / سوختم يك عمر و صبر آموختم
- (٣) صبر بر جور رقيب چه كنم گر نكنم / همه دانند كه در صحبت گل خارى هست
- (٤) چه خوش در فراقى همه عمر صبر كردن / به اميد آن كه روزى به كف او فتد وصالى

* عَيِّن الصَّحِيح فى الإعراب و التحليل الصرفى (١٢-١٠):

١٠- «لا أملك لنفسى نفعاً ولا ضراً إلّا ما شاء الله!»:

- (١) شاء: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثى - معلوم / فعل و فاعله «الله» و الجملة فعلية
 - (٢) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكّر - معرفة (علم) - معرب / فاعل لفعل «شاء» و مرفوع
 - (٣) نفعاً: اسم - مفرد مذكّر - اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثى) - نكرة - معرب / مفعول أو مفعول به و منصوب
 - (٤) أملك: فعل مضارع - للمتكلم وحده - مزيد ثلاثى (من باب إفعال) - متعدّد / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية
- ١١- «كان فى المسجد جماعتان، جماعة يتفقّهون و جماعة يدعون الله و يسألونه!»:
- (١) يتفقّهون: مضارع - مزيد ثلاثى (من باب تفعيل) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 - (٢) يسألون: فعل مضارع - مزيد ثلاثى (من باب إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 - (٣) جماعتان: اسم - مثنى مؤنث - نكرة - معرب / اسم «كان» من الأفعال الناقصة، و مرفوع بالألف
 - (٤) المسجد: اسم - مفرد مذكّر - اسم مكان (من فعل مزيد ثلاثى و مصدره «سجد») - معرّف بأل / مجرور بحرف «فى»
- ١٢- «بعد أن يتناول التمساح طعامه يقترب منه نوع من الطيور!»:

- (١) نوع: اسم - مفرد مذكّر - نكرة - معرب / مبتدا و مرفوع، و الجملة اسمية
- (٢) طعام: اسم - مفرد مذكّر - اسم مبالغة (اشتقاقه من مادة «ط ع م») / مفعول أو مفعول به و منصوب
- (٣) يتناول: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثى (من باب تفاعل) - لازم / فعل و فاعله «التمساح» و الجملة فعلية
- (٤) يقترب: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثى (من باب افتعال) / فعل مرفوع و فاعله «نوع» و الجملة فعلية

* عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

١٣- عَيِّن الخطأ فى ضبط حركات الحروف:

- (١) عالمٌ يُنتَفَع بعلمه خَيْرٌ من ألف عابِد.
- (٢) ليسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فى الميزانِ من الخُلُقِ الحَسَنِ.
- (٣) على كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايشُوا تَعَايشاً سَلَمياً.
- (٤) تُؤَدِّى الدّلافين دوراً مُهمّاً فى الحربِ و السّلمِ.

١٤- عَيِّن الصَّحِيح:

- (١) الصيدلى: مكان يذهب المرضى إليه لشراء الأدوية.
- (٢) مكيف الهواء: وسيلة لتبريد و تنظيف الهواء فى فصل الصيف.
- (٣) البقاع: قطعات من السحاب ينزل منها المطر فى فصل الشتاء.
- (٤) البطاقة البريدية: نحتاج إليها عند السفر بالحافلة أو القطار أو الطائرة.

١٥- عَيِّن ما فيه «نون الوقاية»:

- (١) يجب عليك أن تحسنى لمن لم تكن له قدرة.
- (٢) بعض الطيور تبنى بيوتها فوق الأشجار المرتفعة.
- (٣) يرشدنى معلمى الرؤوف دائماً إلى تعلم العلوم النافعة و
- (٤) يا أختى! إن تؤمنى بأن التجاح نتيجة أعمالك فحاولى.

١٦- عَيِّن ما ليس فيه من المتضاد:

- (١) من يبدأ بضرب و شتم الآخرين فهو الأظلم.
- (٢) إن الأحمق إن أراد ينفع أحداً فهو بضره.
- (٣) الكذاب يبتعد علينا القريب و يقرب علينا البعيد.
- (٤) الألف من الأصدقاء قليل و الواحد من الأعداء كثير.

١٧- عَيِّن الصحيح للفراغين:

«ذهبت مع أسرتى إلى سفرة يوم الأحد، طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعنا فى الساعة السابعة صباحاً. كُنّا خمس ساعات فى الطريق. فوصلنا فى الساعة من يوم إلى بيتنا!».

- (١) الثانى عشر / الثلاثاء
- (٢) الثانية عشرة / الأربعاء
- (٣) الثانى عشر / الأربعاء
- (٤) الثانية عشرة / الإثنين

١٨- عَيِّن ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل.
- (٢) رأيت مكتبة فى مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم.
- (٣) نحب أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى.
- (٤) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة فى الأماكن العامة أبيض.

١٩- عَيِّن المستثنى منه محذوفاً:

- (١) لا يُبَيِّن عقل الإنسان فى حياته شىء إلّا العلوم النافعة.
- (٢) لم يخلق الله فى الطبيعة إلّا كل ما مفيد لجميع الكائنات.
- (٣) لا نقتدى بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلّا بالإنسان الكامل.
- (٤) لا يُحافظ أكثر الناس على صحتهم فى الحياة إلّا قليلاً منهم.

٢٠- عَيِّن المصدر لا يبين نوع الفعل:

- (١) يا أصدقاء أوفوا بعهدكم وفاء جليلاً.
- (٢) شجعنا أصدقاءنا فى المسابقة تشجيعاً كثيراً.
- (٣) إن كنت تلميذاً عاقلاً فلا تضيع أوقاتك تضييعاً.
- (٤) إن العطار يشم رائحة المسك شماً دقيقاً و يعرفه.